

Get Straight to the Point: 4 Communication Idioms

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

4 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

get straight to the point

مستقیم رفتن سر اصل مطلب · بی مقدمه گفتن نکته اصلی

DEF

To say the important thing immediately, without a long introduction.

It values clarity and efficiency. It is direct, but tone and context determine whether it sounds helpful or rude; learn the fixed form with "the point".

FA

گفتن فوری نکته مهم، بدون مقدمه‌ای طولانی.

این عبارت بر روشنی و کارآمدی تأکید دارد. مستقیم است، اما لحن و موقعیت تعیین می‌کند مفید یا بی ادبانه به نظر برسد؛ شکل ثابت آن با «the point» به کار می‌رود.
Let's get straight to the point: we cannot finish the project today.

مستقیم برویم سر اصل مطلب: امروز نمی‌توانیم پروژه را تمام کنیم.

She got straight to the point and asked whether I wanted the job.

او مستقیم رفت سر اصل مطلب و پرسید آیا آن شغل را می‌خواهم.

2

beat around the bush

از اصل مطلب طفره رفتن · حاشیه رفتن

DEF

To avoid saying the main thing directly, especially when the subject is uncomfortable.

It is often critical and suggests that someone is wasting time or avoiding honesty. The continuous form "beating around the bush" is especially common.

FA

مستقیم نگفتن موضوع اصلی، به‌ویژه وقتی موضوع ناراحت‌کننده است.

این عبارت اغلب انتقادی است و نشان می‌دهد کسی وقت تلف می‌کند یا از صداقت دوری می‌کند. شکل استمراری «beating around the bush» بسیار رایج است.
Stop beating around the bush and tell me what happened.

دیگر حاشیه نرو و بگو چه اتفاقی افتاد.

He beat around the bush before admitting that he had lost the keys.

پیش از آنکه اعتراف کند کلیدها را گم کرده، از اصل مطلب طفره رفت.

3

read between the lines

منظور پنهان را فهمیدن · از بین سطرها معنی را دریافتن

DEF

To understand a meaning that is suggested but not stated directly.

It relies on clues in wording, omissions or tone; it does not mean inventing a message without evidence.

FA

فهمیدن معنایی که اشاره شده، اما مستقیم بیان نشده است.

این عبارت بر نشانه‌های موجود در انتخاب واژه، ناگفته‌ها یا لحن تکیه دارد؛ به معنای ساختن پیامی بدون مدرک نیست.
If you read between the lines, her polite reply is actually a refusal.

اگر منظور پنهان را بفهمید، پاسخ مؤدبانه او در واقع جواب منفی است.

Reading between the lines of the report, the team expects another delay.

از میان سطرهای گزارش می‌توان فهمید که تیم انتظار تأخیر دیگری را دارد.



4

keep someone posted

کسی را در جریان گذاشتن • کسی را از تازه‌ترین خبرها آگاه نگه داشتن

DEF

To continue giving someone the latest information as a situation develops.

The natural pattern is "keep someone posted about/on something". "Keep me posted" is a common standalone request for future updates.

FA

با پیشرفت یک وضعیت، همچنان تازه‌ترین اطلاعات را به کسی دادن.

الگوی طبیعی آن «keep someone posted about/on something» است. «Keep me posted» به‌تنهایی درخواستی رایج برای دریافت خبرهای بعدی است.
I'll keep you posted about the interview.

تو را درباره مصاحبه در جریان می‌گذارم.

Please keep us posted on any changes to the schedule.

لطفاً ما را در جریان هر تغییری در برنامه بگذارید.

